

اولریش بک

جامعه خطر

به سوی مدرنیته‌ای نوین

ترجمه رضا فاضل، مهدی فرهمند نژاد

نات

فهرست

- مقدمه مترجمان ۱۱
- مقدمه ۱۵
- مدرن‌سازی بازاندیشانه ۱۶
- مقدمه نویسنده ۲۷
- بخش اول: زندگی روی آتشفشان تمدن: مرزهای مشخص جامعه خطر** ۴۱
۱. در باره منطق توزیع ثروت و منطق توزیع خطر ۴۳
- تعریف علمی و پراکندگی آلاینده‌ها ۵۳
- در باره وابستگی خطرات مدرن‌سازی به دانش ۵۷
- در نظر گرفتن اجزای مستقل در کنار هم: فرض‌های علیت ۵۸
- اخلاق ضمنی ۶۰
- عقلانیت علمی و اجتماعی ۶۲
- خطرات فزاینده و کثرت تعاریف خطر ۶۵
- زنجیرهای علیت و چرخه‌های آسیب: مفهوم نظام ۶۸
- محتوای خطر: واقعه هنوز روی نداده به عنوان انگیزه عمل ۷۰
- مشروعیت: «عوارض جانبی پنهان» ۷۲
- خطرات طبقه‌محور ۷۳
- جهانی‌شدن خطرات تمدن ۷۵

- ۱۵۱..... پویایی‌های سیاسی خطرات شناخت‌شده مدرن‌سازی
- ۱۵۸..... چشم‌انداز طبیعت: جامعه در پایان قرن بیستم
- ۱۶۵..... یادداشت‌ها
- بخش دوم: فردی‌سازی نابرابری اجتماعی: اشکال زندگی و مرگ سنت
- ۱۶۷.....
- ۱۷۰..... ناهمخوانی افراد و بازار کار توسعه‌یافته
۳. فراسوی پایگاه اجتماعی و طبقه؟
- ۱۷۷.....
- ۱۷۹..... بازار کار جوانان «موتور» فردی‌سازی
- ۱۸۱..... تحصیلات
- ۱۸۲..... تحرک
- ۱۸۳..... رقابت
- ۱۸۴..... فردگرایی و شکل‌گیری طبقات: مارکس و وبر
- ۱۹۲..... به سوی جامعه فردی‌شده کارکنان
- ۱۹۶..... یادداشت‌ها
۴. «من منم»: فضای جنسیتی‌شده و کشمکش درون و بیرون از خانواده
- ۱۹۷.....
- ۲۰۲..... جامعه صنعتی جامعه فئودالی مدرن است
- ۲۰۹..... رهایی از نقش‌های زنانه و مردانه؟
- ۲۱۹..... آگاهی یافتن از نابرابری‌ها: فرصت‌ها و محدودیت‌های انتخاب
- ۲۲۶..... سناریوهایی برای تحولات آینده
- ۲۲۷..... بازگشت به خانواده هسته‌ای
- ۲۳۱..... برابری زن و مرد
- ۲۳۴..... فراسوی نقش‌های زنانه و مردانه
- ۲۳۸..... یادداشت‌ها

- ۷۶..... اثر بومرنگ
- ۷۹..... سلب مالکیت و ارزش‌زدایی بوم‌شناختی
- ۸۲..... موقعیت‌های خطر موقعیت‌های طبقاتی نیستند
- ۸۳..... موقعیت خطر جوانان سرنوشت و تقدیر
- ۸۵..... نابرابری‌های جدید بین‌المللی
- ۸۸..... ویلا پارسی
- ۹۰..... بوپال
- ۹۱..... دو نقطه عطف، دو فرهنگ: در باره رابطه میان درک و تولید خطرات
- ۹۴..... آرمانشهر جامعه جهانی
- ۹۸..... خلأ سیاسی
- ۱۰۰..... از همبستگی حاصل از نیاز تا همبستگی برانگیخته از اضطراب
- ۱۰۲..... یادداشت‌ها
۲. سیاست دانش در جامعه خطر
- ۱۰۳.....
- ۱۰۳..... فلاکت‌باری تمدن؟
- ۱۱۵..... اشتباهات، فریب‌ها، لغزش‌ها و حقایق: در باره رقابت عقلانیت‌ها
- ۱۱۹..... بی‌بصیرتی اقتصادی در مورد خطرات
- ۱۲۲..... ندهای «عوارض جانبی»
- ۱۲۴..... انکار علی خطرات
- ۱۲۸..... حقه‌ای جانانه به نام «سطوح قابل قبول»
- ۱۳۸..... از هم‌گسیختگی عقلانیت علمی
- ۱۴۱..... آگاهی عمومی از خطرات: امور تجربه‌نشده دست‌دوم
- ۱۴۳..... عصر تردید
- ۱۴۶..... همبستگی موجودات زنده
- ۱۴۸..... «جامعه بلاگردان»
- ۱۵۰..... شروط اساسی مواجهه با ناامنی

۳۴۳	۸. گشایش سیاسی.....
۳۴۴	سیاست و خرده‌سیاست.....
۳۵۱	فقدان کارکرد نظام سیاسی.....
۳۵۷	دموکراتیزه کردن به مثابه قدرت‌زدایی سیاست.....
۳۶۱	رعایت حقوق مدنی و تمایز خرده‌سیاست‌های فرهنگی.....
۳۶۴	فرهنگ سیاسی نوین.....
۳۷۳	فرهنگ سیاسی و توسعه فنی: آیا اتفاق‌نظر در باره پیشرفت به پایان رسیده است؟.....
۳۷۹	خرده‌سیاست‌های پزشکی: مطالعه موردی حاد.....
۳۹۵	تنگنای سیاست‌گذاری فناوری.....
۳۹۹	خرده‌سیاست اتوماسیون صنعتی.....
۴۱۳	سناریوهای آینده‌ای محتمل.....
۴۱۶	بازگشت به جامعه صنعتی.....
۴۲۳	دموکراتیک‌سازی توسعه فنی-اقتصادی.....
۴۲۹	امر سیاسی تمایز یافته.....
۴۳۷	یادداشت‌ها.....
۴۴۱	کتاب‌شناسی.....
۴۶۱	نمایه.....

۲۴۱	۵. فردی‌شدن، نهادینه‌شدن و استانداردشدن: موقعیت‌های زندگی و الگوهای زندگینامه‌ای.....
۲۴۲	ابعاد تحلیلی فردی‌شدن.....
۲۴۳	فردی‌شدن.....
۲۴۴	فردی‌شدن تجدیدنظرشده.....
۲۴۸	نهادینه‌شدن الگوهای سرگذشتی.....
۲۶۱	یادداشت‌ها.....
۲۶۳	۶. غیراستانداردسازی کار.....
۲۶۶	از نظام اشتغال کامل استانداردشده تا نظام نیمه‌بی‌کار انعطاف‌پذیر و متکثر.....
۲۸۳	یادداشت‌ها.....
۲۸۷	بخش سوم: مدرن‌سازی بازاندیشانه: در باره تعمیم علم و سیاست.....
۲۹۳	۷. علم فراسوی حقیقت و روشنگری؟.....
۲۹۹	علمی‌سازی نخستین و بازاندیشانه.....
۳۰۸	انحصارزدایی از علم.....
۳۱۱	خطاپذیری در نظریه علم.....
۳۱۲	خطاپذیری در انجام پژوهش.....
۳۱۴	فتودالی‌سازی عمل شناختی.....
۳۲۱	در باره قابلیت ارزیابی «عوارض جانبی».....
۳۲۳	خودمختاری کاربرد.....
۳۲۶	در باره تولید قیدوبندهای عینی.....
۳۲۸	زدودن علل یا جنگیدن با نشانه‌های بیماری.....
۳۳۲	خطاناپذیری یا توانایی یادگیری.....
۳۳۴	تخصصی‌شدن در متن.....
۳۳۷	درخواست فوری برای تربیت عقلانیت علمی.....
۳۴۰	یادداشت‌ها.....

در ابتدا معادل‌هایی مانند جامعه در خطر، جامعه خطرآفرین و جامعه خطرناک به ذهنمان رسید، اما از آن‌جا که هابرماس و آنتونی گیدنز جامعه بعد از روشنگری را جامعه مدرن نامیدند، بک و گیدنز نیز در دهه ۱۹۸۰ با جایگزینی واژه خطر با واژه مدرن به این مفهوم رسیدند و ما هم به همین روش معادل جامعه خطر را برای «risk society» برگزیدیم. از نظر بک و گیدنز، ساختار سنتی طبقاتی در جامعه مدرن در حال فروپاشی است. جهانی‌سازی، خطراتی را پدید می‌آورد که افراد تمامی طبقات را درگیر می‌کند؛ خطراتی مانند رادیواکتیویته، آلاینده‌ها، و حتا بی‌کاری. بک در این اثر خود خاطر نشان می‌کند که خطرات به گونه‌ای اجتماعی نیز ساخته می‌شوند و بعضی از خطرات هم، مانند تروریسم، صرفاً به این دلیل که رسانه‌های جمعی بیش‌تر به آن‌ها پرداخته‌اند به عنوان امری خطرناک‌تر درک شده‌اند. او تلاش می‌کند تا رویکردهای ملی را که تا به امروز در بررسی‌های جامعه‌شناختی وجه غالب بوده است با «جهان‌گرایی» که مؤید درهم‌تنیدگی دنیای مدرن است، جایگزین کند.

متأسفانه، در مراحل پایانی این ترجمه، مطلع شدیم اولریش بک، این جامعه‌شناس ارزشمند آلمانی، چندی پیش در ژانویه سال ۲۰۱۵ چشم از جهان فرو بست. مترجمان این اثر آرزومندند با معرفی او به جامعه‌شناسان و دیگر علاقه‌مندان ایرانی، سهمی ناچیز در کشاندن کانون توجه اندیشمندان این سرزمین، به مشکلات حاصل از دگرگونی‌های دنیای نوین و به ویژه مشکلات زیست‌محیطی و بوم‌شناختی داشته باشند و اندیشه‌های آگاه و روشن‌بین را به جستجوی راه‌حل و راه‌های درمان دعوت کنند.

رضا فاضل

مهدی فرهمندنژاد

مقدمه

جامعه خطر اولریش بک، یکی از تأثیرگذارترین آثار اروپایی در زمینه تحلیل اجتماعی در اواخر قرن بیستم بوده است. این اثر با عنوان اصلی *Risikogesellschaft* در ۱۹۸۶ در آلمان منتشر شد و در پنج سال نخست، تقریباً ۶۰۰۰۰ نسخه از آن فروش رفت. شمار بسیار اندکی از کتاب‌ها در زمینه علوم اجتماعی، پس از جنگ، به چنین شماری از فروش رسیدند که بیش‌تر آن‌ها هم کتاب‌های درسی بودند. در دنیای آلمانی‌زبان - از منظر تأثیر بر آثار میان‌رشته‌ای و حوزه غیرحرفه‌ای عمومی - شاید بهترین مقایسه را بتوان بین این کتاب و اثر هابرماس با عنوان اصلی *Strukturwandel der offentlichkeit* انجام داد که بیست‌وپنج سال پیش از کتاب بک در آلمان منتشر شد، گرچه ترجمه انگلیسی آن با عنوان دگرگونی در حوزه عمومی^۱ تازه در سال ۱۹۸۹ منتشر شد.

اما کتاب بک تأثیری فراوان داشته است. این کتاب نخست تأثیر اندک و زودگذری بر علوم اجتماعی نهادی^۲ گذاشت. در سال ۱۹۹۰، عنوان کنفرانس دوسالانه انجمن جامعه‌شناسی آلمان، در اشاره‌ای غیرمستقیم به تز مدرن‌سازی بازاندیشانه^۳ بک،

1. *The Transformation of the Public sphere*

2. *Institutional social sciences*

3. *reflexive modernization*

در بارهٔ منطق توزیع ثروت و منطق

توزیع خطر

در مدرنیتهٔ پیشرفته، تولید اجتماعی ثروت به طور نظام‌مندی با تولید اجتماعی خطرات همراه است. از این رو، مشکلات و تضادهای مربوط به توزیع جامعهٔ دچار کمبود^۱، با مشکلات و تضادهای حاصل از تولید، تعریف و توزیع خطرات ایجاد شده به وسیله فناوری و علم همپوشانی دارد.

این تغییر حالت از منطق توزیع ثروت در جامعه دچار کمبود، به منطق توزیع خطر در مدرنیتهٔ متأخر، به گونه‌ای تاریخی، دست کم به دو شرط مربوط می‌شود. نخست — چنان که امروز قابل تشخیص است — چنین دگرگونی‌ای در جایی و تا حدی رخ می‌دهد که نیاز مادی واقعی^۲ بتواند از طریق توسعهٔ انسانی و بهره‌وری فن‌شناختی و نیز از رهگذر مقررات و حمایت‌های قانونی دولت رفاه به طور عینی کاهش یابد و از لحاظ اجتماعی بی‌اثر شود. دوم این که این تغییر مقولاتی^۳ به این

1. scarcity society
2. genuine material need
3. categorical

واقعیت نیز بستگی دارد که در جریان رشد تصاعدی نیروهای تولیدی در فرایند مدرنیته، خطرات و تهدیدات بالقوه، تا حد بی سابقه‌ای لجام گسیخته شده‌اند.^(۱)

بسته به میزان تحقق این شرایط، گونه‌ای از تفکر و عمل تاریخی توسط گونه‌ای دیگر به شکل نسبی درمی‌آید یا لغو می‌شود. مفهوم «جامعه صنعتی» یا «جامعه طبقاتی» به وسیع‌ترین معنای مورد نظر مارکس یا وبر، بر این محور می‌چرخد که چگونه ثروتی که به گونه‌ای اجتماعی تولید شده است، می‌تواند به روشی که به لحاظ اجتماعی نابرابر و در عین حال قانونی است توزیع شود. این موضوع با پارادایم جدید جامعه خطر همپوشانی دارد؛ جامعه‌ای که در صدد حل مشکلی است که در عین مشابه بودن، کاملاً متفاوت نیز هست. چگونه می‌توان از ریسک‌ها^۱ و خطراتی^۲ که به گونه‌ای نظام‌مند، به عنوان بخشی از مدرن‌سازی ایجاد شده‌اند جلوگیری کرد، آن‌ها را به حداقل رساند، به تصویر کشید یا دگرگون کرد؟ سرانجام در جایی که این خطرات به شکل «عوارض جانبی پنهان» پدیدار می‌شوند، چگونه می‌توان آن‌ها را طوری محدود و توزیع کرد که نه فرایند مدرن‌سازی را مختل کنند و نه از محدوده‌های قابل تحمل بوم‌شناختی، پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی فراتر روند؟

بنابراین، ذهن ما دیگر منحصراً درگیر بهره‌برداری مفید از طبیعت یا رها ساختن نوع بشر از محدودیت‌های سنتی نیست، بلکه اساساً با مشکلاتی مواجهیم که از نفس توسعه اقتصادی فنی برمی‌آید. مدرن‌سازی دستخوش بازاندیشی است و در حال تبدیل شدن به موضوع بحثی منحصربه‌فرد است. پرسش‌های مربوط به توسعه و به کارگیری فناوری‌ها (در قلمرو طبیعت، جامعه و شخصیت انسانی) تحت‌الشعاع پرسش‌های مربوط به «مدیریت» سیاسی و اقتصادی خطرات فناوری‌هایی قرار می‌گیرند که به گونه‌ای بالفعل یا بالقوه در حال بهره‌برداری از

آن‌ها، پرسش‌هایی در باره کشف کردن، اداره کردن، توجیه کردن، دوری گزیدن یا پنهان کردن چنین خطراتی، با توجه به افق‌های تعریف‌شده و مرتبط با آن‌ها. وعده امنیت، به همراه خطرات و تخریب، رشد می‌کند و به همین دلیل، چنین وعده‌هایی باید در برابر مردم منتقد و آگاه از طریق مداخلات واقعی آنان در توسعه اقتصادی فنی، مدام تکرار و توجیه شود.

هر دو «پارادایم» نابرابری، به گونه‌ای نظام‌مند، به دوره‌های معینی از مدرن‌سازی ربط می‌یابد. مادام که نیازهای مادی آشکار، یا به تعبیری «دیکتاتوری کمبود»، بر افکار و اعمال مردم چیره است (مانند آنچه امروز بر بخش عظیمی از جهان سوم حاکم است)، توزیع ثروتی که به طور اجتماعی تولید شده است و تضادهای مربوط به آن، در کانون توجه باقی می‌ماند. در شرایط «جامعه دچار کمبود»، فرایند مدرن‌سازی با ادعای باز کردن درهای منابع پنهان ثروت اجتماعی با کلید توسعه فنی-علمی رخ می‌دهد و وعده‌های رهایی از وابستگی و فقر ناروا، مبنای کنش، تفکر و پژوهش در باره مقوله‌های نابرابری اجتماعی — از طبقه برآمده از قشر بندی گرفته تا جامعه فردیت‌یافته — را تشکیل می‌دهد.

در دولت رفاه غربی، فرایندی دوگانه^۱ در حال وقوع است. از یک سو، در مقایسه با معیشت مادی در نیمه اول این قرن و در مقایسه با جهان سومی که در معرض گرسنگی است، منازعه برای نان شب فوریت خود را به عنوان مشکلی عمده که بر مشکلات دیگر سایه افکنده بود، از دست داده است. نزد بسیاری از مردم، مشکل «اضافه وزن» جای مشکل گرسنگی را گرفته است. اما این توسعه، بنیان‌های مشروعیت‌دهنده به فرایند مدرن‌سازی را از بین می‌برد؛ یعنی فرایند مبارزه با کمبود آشکار که مردم حاضر بودند به خاطر آن مقداری (و نه به طور کامل) از عوارض جانبی پنهان را بپذیرند.

به موازات آن، دانش بشری موجب گسترش این باور هم شده است که منابع

1. risks
2. hazard